

حوزه دفاع مقدس ساخته شده و با بودجه شخصی تولید شده یعنی هیچ نهاد و ارگانی پشت ما نبوده و خودمان خیلی دلی کار را ساختیم. این نکته بسیار مهمی است برای اینکه وقتی در این حوزه فیلمسازی می‌کنید اینکه بروید و از ارگانی بودجه بگیرید در واقع کار ساده‌ای است اما تامین سرمایه برای این فیلم واقعا برای ما سخت بود و علاوه بر آن همین مسئله که در یک روستا و با نا بازبگران کار کنیم نیز کار ما را بسیار سخت‌تر کرد حتی ما مجبور شدیم به دلیل شرایطی که وجود داشت دوباره برویم و مجدداً فیلمبرداری کنیم تا بتوانیم کیفیت فیلم را بالاتر ببریم و این در واقع یک مسئله عجیب برای یک تهیه‌کننده است ولی با اینکه به لحاظ مالی نیز ضرر زیادی برای من داشت انجامش دادم تا فیلم در بهترین شکلش ارائه شود. من واقعا دوست داشتم که در این حوزه فیلم بسازم و باور دارم که ما نسبت به نسلی که رفتند و جنگیدند وظیفه داریم مخصوصاً نسبت به شهدای مفقود الاثر، خوب به یاد دارم وقتی در مرحله انتهایی تدوین بودم کلیپی را در فضای مجازی دیدم که اتفاقاً خیلی هم وایرال شده بود. این کلیپ حکایت مادری بود که به خاطر شهید شدن فرزندش در رودخانه دیگر هرگز لب به ماهی نزنه بود در آن لحظه با اینکه اصلاً فکر نمی‌کردم که کار بزرگی انجام داده‌ایم ولی خیلی حس خوبی داشتیم. اینکه توانسته باشیم فیلمی حتی کوچک در این حوزه بسازیم و به افرادی بپردازیم که شاید در سینمای دفاع مقدس خیلی خیلی کم به آنها پرداخته شده است برایم ارزشمند است. مثلاً در مورد زنانی مثل حوری که خیلی هم زیاد هستند از مادران و همسران شهید یا حتی کسانی که هنوز نامزد بوده‌اند آثار چندانی ساخته نشده است و به نظر من هنوز هم جا دارد که در این حوزه فیلم ساخته شود به این دلیل که باعث می‌شود این وقایع و مفاهیم به نسل بعدی انتقال داده شود تا آنها به رشادت‌هایی که اتفاق افتاده است واقف باشند.

در مرحله به اکران رساندن فیلم با چه چالش‌هایی روبرو بودید؟

من به این نتیجه رسیدم که اگر فیلمی در حوزه دفاع مقدس و با بودجه شخصی تولید شود به هیچ عنوان مورد حمایت قرار نمی‌گیرد، یعنی کاملاً برعکس تصورات است. ما کاری کرده و فیلمی ساختیم حال هر چقدر هم کوچک و در حد وسیع خودمان از لحاظ وظیفه‌ای که نسبت به این حوزه داشتیم، اما برعکس بود و هر جا که می‌رفتیم به جای اینکه کمک‌مان کنند خیلی راحت می‌گفتند که هیچ ارگانی از شما حمایت نکرده بنابراین در جشنواره‌ها خیلی راحت فیلم را کنار می‌گذاشتند و آنگونه که باید به فیلم پرداخت نمی‌شد و جایزه‌ای نمی‌دادند. در همان زمان با دبیر یکی از جشنواره‌ها صحبت کردم و خیلی صریح به من گفتند که اشکال کار شما این است که هیچ نهادی پشت فیلم شما نیست و ما نمی‌توانیم کاری برای فیلم شما بکنیم. تنها نهادی که واقعا لطف بزرگی به ما کرد تلویزیون بود که همان اولین باری که فیلم را دیدند از ما یک حمایتی کردند و کپی رایت تلویزیونی فیلم را از ما خریدند تا کمکی به ما کرده باشند و از این بابت من خیلی از تلویزیون متشکرم.

از همکاری با پلتفرم هاشور برای اکران آنلاین بگوئید.

برای ما افتخار است که فیلم ما در اپلیکیشن و پلتفرمی مثل هاشور که در حوزه سینمای اندیشمند فعالیت می‌کند اکران شده و نمایش داده شود. اما به صورت کلی همان برخوردی که از طرف نهادها و ارگان‌ها شد در اکران حوزه سینمایی فیلم نیز وجود داشت و شرایط اقتصادی ما هم به شکلی نبود که برای اکران اثر هزینه‌هایی در این حد را تقبل کنیم. یک علت دیگر هم این بود که به خاطر شرایط ترجیح دادیم که فیلم در همین زمان به نمایش در بیاید و به هر شکلی که شده فیلم را رونمایی کنیم تا ان شاء الله بتوانیم اتفاقات بعدی را رقم بزنیم.

سخن پایانی

وجود اپلیکیشن مثل هاشور که تنها مرجع کمک‌کننده برای اکران چنین آثاری است واقعا جای تحسین دارد چرا که می‌دانم شرایط اقتصادی در این حوزه چندان مطلوب نیست و فیلم‌هایی که در حوزه مستند و داستانی در این سایت اکران می‌شوند فیلم‌هایی هستند که جای دیگری برای نمایش‌شان وجود نداشته به این دلیل که شاید به صورت سیستماتیک اتفاقی دارد در سینمای ایران می‌افتد که سینمای اندیشمند را حذف می‌کند. مثلاً اکران هنر و تجربه به نوعی راهکاری است که از طریق آن فیلم‌هایی که مردم باید ببینند و برای اندیشه و فرهنگ مردم مهم است را به نوعی ایزوله کند تا فقط مخاطب خاصی آن را ببیند یعنی به این فیلم‌ها یک برچسب مخاطب خاص زده می‌شود و به گوشه‌ای رانده می‌شوند. با توجه به اینکه هیچکس از ما حمایتی نکرده از مردم و مخاطبان می‌خواهم که از این فیلم حمایت کنند تا ان شاء الله بتوانیم به روشی برسیم که به ما کمک کند بخشی از هزینه‌هایمان را جبران کنیم و از این طریق بتوانیم به فیلم‌سازیمان در همان ساختاری که قلباً دوست داریم ادامه بدهیم.



سایه‌های انسانی

مسئله برای شما و گروه چالش‌هایی ایجاد کرد؟

خود من هم اهل همانجا هستم و روستای خودمان است. ولی صحبت به زبان ترکی برای من کمی سخت است و چندان به آن تسلط ندارم و حقیقتاً در طول پروژه زبان ترکی من تقویت شد. خوشبختانه از آنجایی که آشنایی اعضای خانواده به زبان ترکی بیشتر بود در این زمینه خیلی کمک کردند. اما دلیل اینکه من از زبان فارسی در فیلم استفاده نکردم این بود که برای خود مردم آن منطقه کمی دشوار می‌شد و همین مسئله ممکن بود باعث تصنعی شدن کار شود.

با توجه به اینکه منطقه با کمبود امکانات روبرو است آیا در این زمینه دچار چالش‌هایی شدید؟

بله واقعا خیلی سخت بود ولی خوشبختانه و خدا را شکر مردم منطقه همکاری خیلی خوبی با ما داشتند. طبیعتاً در زمینه تجهیزات با چالش‌هایی روبرو بودیم مثلاً برای یکی از صحنه‌ها ما نیاز داشتیم که باد و طوفان ایجاد کنیم که برای انجامش به تجهیزات زیادی نیاز بود و اساساً پا شدتی که مد نظرمان بود ممکن نشد.

با توجه به اینکه بخش‌هایی از کار به فرهنگ بومی مردمان منطقه می‌پردازد و کمی نیز حالت آیینی دارد آیا برای جشنواره‌هایی با همین مضمون ارسال شده و یا اینکه در آینده ارسال خواهد شد؟

بله امیدوارم و احتمالاً در برنامه‌های آتی این فیلم خواهد بود.

همکاری با آتش تقی پور چگونه انجام شد؟

سکانسی که آقای تقی پور بازی می‌کنند دیالوگ‌ها و مطالب بسیار سنگینی داشت و پس از نوشتنش برای ایشان ارسال کردم و ایشان نیز لطف کردند متن را خوانده، ترجمه کرده و برگرداندند. خیلی خوب به یاد دارم در صحبتی که راجع به متن و به خصوص بخشی بازی خودشان داشتیم خیلی از دیالوگ‌ها و متن لذت برده بودند و قلباً دوست داشتند

که کار نتیجه خوبی داشته باشد. ایشان واقعا مرد نازنینی هستند و من از اینکه در این پروژه با ما همکاری کردند بسیار سپاسگزارم البته شرایط کمی برای ایشان سخت بود هر چند که فقط یک شب باید می‌ماندند اما به نظر من در همان یک شب نیز سختی موجود را تحمل کرده و هرگز شکایت نکردند اما من شخصاً معذب بودم چون حس می‌کردم که اذیت شده‌اند.

مهدی کار آمدتبریزی، تهیه‌کننده:

نسبت به نسلی که رفتند و جنگیدند وظیفه داریم

آشنایی شما با کارگردان و قبول این پروژه به چه صورت بود؟

در واقع من در سینما مدیر تولید و مجری طرح هستم و بیشتر اوقات با آقای جلالی یعنی همسر خانوم جوانمردی به عنوان مدیر تولید یا همکار تولید کار می‌کردیم و دوست بودیم. تقریباً دو سال پیش یعنی سال ۱۴۰۱ بود که من به واسطه دوستی و همکاری با آقای جلالی با خانم جوانمردی آشنا شدم. در ابتدا نیز پروژه دیگری مطرح بود اما با توجه به اینکه کارگردان اثر پیش از این نیز مستندی در مورد همین کاراکتر در دست کار داشتند، به ایشان پیشنهاد دادم که روی همین پروژه کار کنیم و ایشان هم قبول کرده روی فیلمنامه کار کردند و بعد هم کارهایی مثل پروانه ساخت، تامین سرمایه و در نهایت ساخت فیلم انجام شد.

از زمانی که شما وارد پروژه شدید با توجه به اینکه پروژه در منطقه‌ای دور از تهران انجام شد با چه چالش‌هایی در بحث تهیه روبرو بودید؟

در بحث تهیه این فیلم یک مسئله مهم وجود دارد اینکه فیلم ما در